

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۱۴

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی
سال هفتم، شماره ۲۵، تابستان ۱۳۹۷

نقدی بر ادعای همنامی پدر پیامبر اسلام ﷺ و پدر مهدی موعود ﷺ

عبدالرحمن باقرزاده^۱

چکیده

آینده بشریت دغدغه همه انسان‌ها و اعتقاد به منجی در آخرالزمان فصل مشترک همه ادیان آسمانی بلکه غیرآسمانی است. کسانی که از ستم گسترده جهان نگران بوده و همواره به دنبال روزنه امیدی برای برون رفت جهان از این وضع نامطلوب هستند، علاقمندان در پی کشف زوایای زندگی منجی موعود برآمده و خواهان رفع ابهام از این باور عمومی می‌باشند. لذا محققان دینی خصوصاً پژوهشگران شیعه، دائماً در مقام تبیین این حقیقت والا برآمده و به معرفی موعود ادیان بر اساس باورهای مذهبی خود می‌پردازند. آشنایی با نسب آن نقطه روشنای امید بشری از جمله ضرورت‌های انکارناپذیر در این راستا می‌باشد. با عنایت به ضرورت مزبور، و به دنبال ادعای برخی از مشاهیر اهل سنت مانند ابن تیمیه، این سؤال در اذهان خودنمایی می‌نماید که علاوه بر همنامی آخرین پیامبر آسمانی و آخرین منجی بشریت، آیا به راستی پدران آنان نیز همنام می‌باشند؟ ضرورت پیش گفته و سؤال فوق، نگارنده را بر آن داشت تا با روش تحقیق کتابخانه‌ای به پژوهش در این موضوع پرداخته و حقیقت امر را با تکیه بر منابع معتبر عامه تبیین نماید که مقاله حاضر نتیجه پژوهش مزبور بوده و یافته‌های آن حاکی از عدم صحت انگاره فوق می‌باشد.

واژگان کلیدی

ابن تیمیه، مهدی موعود ﷺ، پدر پیامبر اسلام ﷺ، پدر امام زمان ﷺ،
نفس زکیه.

۱. استادیار دانشگاه مازندران (a.bagherzadeh@umz.ac.ir).

مقدمه

یکی از مشترکات همه ادیان از جمله مسلمانان، ظهور منجی موعود در آخرالزمان است. شخصیتی که همه پیامبران الهی به وجودش بشارت داده و جامعه را به انتظار ظهورش دعوت نمودند.

خوشبختانه همه مسلمانان بر اساس بشارت پیامبر اسلام ﷺ و تعالیم آسمانی ایشان، به این موضوع معتقد بوده و بر این باور اتفاق نظر دارند که موعود همه امت‌ها، از نسل پیامبر اعظم ﷺ بوده و برای اثبات آن به ده‌ها بلکه صدها روایت صحیح استناد می‌نمایند. البته مسلمین علاوه بر نقاط مشترک در این اعتقاد، متأسفانه دارای اختلافاتی پیرامون این اعتقاد راستین می‌باشند.

در بین مسلمین قطعی است که منجی موعود از نسل پیامبر اعظم ﷺ و دختر بزرگوارشان حضرت زهرا علیها السلام بوده و بین آنان تردیدی در این باره وجود ندارد. چنان‌چه پیامبر خدا ﷺ فرمود:

عن أم سلمة قالت سمعت رسول الله ﷺ يقول: المهدي من عترتي من ولد فاطمة (سجستانی، بی‌تا: ج ۴، ۱۰۷، ح ۴۲۸۴؛ طبرانی، ۱۴۰۴: ج ۲۳، ۲۶۷؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ج ۴، ۶۰۱ با اندکی اختلاف).

نیز روایات فراوانی حتی از طریق اهل سنت تصریح دارند که موعود آخرالزمان از نسل سیدالشهدا امام حسین علیه السلام خواهد بود. (مقدسی شافعی، بی‌تا: ج ۱، ۸۳، ۹۵، ۱۵۷، ۱۹۵، ۲۸۴؛ ابن حماد، ۱۴۱۲: ج ۱، ۳۷۳)

هم‌چنین از جمله اعتقادات مشترک بین فریقین، همنامی منجی آخرالزمان با رسول خدا ﷺ در نام شریف «محمد» می‌باشد که روایات مربوطه در منابع معتبر اسلامی اعم از کتب حدیثی، تاریخی و کلامی شیعه و اهل تسنن موجود بوده و مضمون همگی آنها مشترک می‌باشند. این روایات از راویان متعددی است که علمای عامه بر وثاقت آنها مهر تأیید زده‌اند. برخی از آنها از این قرارند:

۱. روایت ابوهریره: مانند آن چه ابن کثیر روایت کرده و به تأیید صحت آن پرداخت:

وأخبرنا أبو عاصم عن أبي هريرة قال: قال رسول الله ﷺ: لو لم يبق من الدنيا إلا يوم لطول الله ذلك اليوم حتى يلي الرجل من أهل بيتي يواطىء اسمه اسمي؛ هذا حديث حسن صحيح

(ابن کثیر، ۱۴۰۸: ج ۱، ۲۴).

علمای دیگری هم به نقل روایت ابوهریره با الفاظ دیگر پرداختند (ترمذی، بی تا: ج ۴، ۵۰۵؛ سیوطی، ۱۴۲۳: ج ۳، ۴۰۷).

۲. روایت زر بن حُبیش از عبدالله بن مسعود: البته روایت مزبور از ایشان، بعضاً از طریق عمرو بن مره نقل گردید. مانند:

عن عمرو بن مَرَّةَ عن زَرِّين حُبَيْش عن عبدالله بن مسعود قال: قال رسول الله ﷺ: لا يَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُؤَافِقُ اسْمَهُ اسْمِي (طبرانی، ۱۴۰۴: ج ۱۰، ۱۳۱، ح ۱۰۲۰۸).

گفتنی است که راویان این روایت از نظر اهل سنت، همگی مورد اطمینان معرفی شدند.^۱ ولی غالباً روایت ابن مسعود از طریق عاصم بن بهدله (یا همان ابن ابی النجود) نقل شده است. مانند:

عن عاصم بن أبي النجود عن زر بن حبيش عن عبدالله قال: قال رسول الله ﷺ: لا تنقضى الأيام ولا يذهب الدهر حتى يملك رجل من أهل بيتي اسمه يواطئ اسمي. (أحمد حنبل، بی تا: ج ۱، ۳۷۶)

جمع کثیری از علمای عامه این روایت را با اندکی اختلاف در الفاظ نقل کردند که اشاره به آدرس برخی از منابع مزبور در این فراز کافی به نظر می رسد. (ترمذی، بی تا: ج ۴، ۵۰۵؛ ابن حبان، ۱۴۱۴: ج ۱۳، ۲۸۴؛ طبرانی، ۱۴۰۴: ج ۱۰، ۱۳۵-۱۳۳؛ ۱۵ روایت؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ج ۴۷۲، ۱۱)

۳. روایت ابن عباس: مانند آن چه در مسند شاشی آمده است:

... عن عاصم عن زر عن ابن عباس قال: قال رسول الله ﷺ: لا تنقضى الدنيا حتى يبعث الله رجلاً من أمتي يواطئ اسمه اسمي. (شاشی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۱۱۱، ح ۶۳۶؛ تفتازانی، ۱۴۰۱: ج ۲، ۳۰۷)

۴. روایت حدیفه بن یمان: مانند آن چه مقدسی شافعی نقل کرد:

۱. زر بن حبیش (م ۸۲ق) و ابو عبدالله کوفی (م ۱۱۶ق) که به عمرو بن ذی مَر و عمرو بن مره نیز خوانده می شود از سوی بزرگان عامه توثیق شده و به داشتن نهایت دقت و پیشوایی توصیف و روایات شان مقبول واقع می گردد. (ذهبی، بی تا: ج ۱، ۵۷ و ۱۲۱)

وعن حذیفه رضی الله عنه قال: خطبنا رسول الله ﷺ فذكرنا رسول الله ﷺ بما هو كائن، ثم قال: لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لطول الله عز وجل ذلك اليوم، حتى يبعث في رجلاً من ولدی اسمه اسمی. فقام سلمان الفارسی رضی الله عنه فقال: یا رسول الله ﷺ، من أی ولدک؟ قال: هو من ولدی هذا، وضرب بیده علی الحسین ﷺ. أخرجه الحافظ أبو نعیم، فی صفة المهدي؛ (مقدسی، بی تا: ج ۱، ۸۲)

حذیفه می گوید: رسول خدا ﷺ برای ما خطبه خواند و از آن چه در آینده رخ می دهد، برای ما خبر داد و سپس فرمود: اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی بماند خداوند آن را آن قدر طولانی کند تا این که مردی از فرزندان من که هم اسم من است در آن روز ظهور کند. سلمان فارسی پرسید یا رسول الله آن مرد از نسل کدام فرزندان تو است؟ حضرت فرمود: از این فرزند من و دست خودش را به حسین ﷺ زد. این روایت را ابونعیم اصفهانی در کتاب «صفة المهدي» آورده است.

۵. روایت عبدالله بن عمر: مانند آن چه مقدسی شافعی روایت کرد:

وعن عبدالله بن عمر قال: قال رسول الله ﷺ يخرج في آخر الزمان رجل من ولدی، اسمه كاسمی، وكنيته ككنيتي يملأ الأرض عدلاً، كما ملئت جوراً. (همو: ۹۵)

مهم ترین اختلاف نظر بین تشیع و اهل سنت درباره منجی آخرالزمان به اصل ولادت آن بزرگوار منتهی می گردد. بدین بیان که اهل سنت معتقد به عدم تولد منجی در گذشته بوده و بر این باورند که هر گاه مصلحت الهی اقتضا کند مهدی موعود ﷺ متولد گشته و در سنین مناسب دست به انقلاب جهانی خواهد زد.

در مقابل، شیعیان اهل بیت، به استناد دلائل فراوان معتقد به ولادت آن حضرت در زمان و مکان مشخص و از پدری معلوم یعنی امام عسکری ﷺ و مادری مشخص یعنی جناب نرجس خاتون بوده و ایشان را دارای غیبت طولانی از زمان میلاد تاکنون می دانند. هر چند ابن تیمیه امام حسن عسکری ﷺ را فاقد نسل و فرزند پسر دانسته و گفته است:

أن الحسن بن علی العسکری لم ينسل ولم يعقب كما ذكر ذلك محمد بن جریر الطبری و عبد الباقي بن قانع وغيرهما من أهل العلم بالنسب. (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ج ۱، ۱۲۲)

ولی قاطبه شیعیان منجی موعود را فرزند آن امام والا مقام دانسته که علاوه بر ده ها روایت، تعداد فراوانی از دانشمندان عامه بر صحت این انتساب اعتراف نمودند.

جناب مهدی فقیه ایمانی در الامام المهدي عند اهل السنة به نام ۱۱۲ نفر از معترفان به ولادت

منجی موعود از امام حسن عسکری علیه السلام در میان عامه اشاره نمودند. در این فراز از انبوه منابع شیعی صرف نظر کرده، صرفاً به اظهار نظر تعدادی از دانشمندان اهل سنت اشاره خواهیم داشت:

عماد الدین ابوالفداء (م ۷۳۲ق) در این باره گفته است:

وكانت ولادة الحسن العسکری علیه السلام المذكور في سنة ثلاثين ومائتين وتوفي في سنة ستين و مائتين في ربيع الأول وقيل في جمادى الأولى بسرمن رأى ودفن إلى جانب أبيه عليّ الزكيّ المذكور والحسن العسکری علیه السلام المذكور هو والد محمد المنتظر صاحب السرداب و محمد المنتظر المذكور هو ثاني عشر الأئمة الاثني عشر على رأى الإمامية ويقال له القائم، والمهدى، والحجة وولد المنتظر المذكور في سنة خمس وخمسين ومائتين؛ (ابوالفداء، ج: ۱، ۱۷۸) ولادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۳۰ و وفات آن حضرت در سال ۲۶۰ هجری در شهر سامرا بوده و در کنار پدرش علیّ الزکی دفن شده است. امام عسکری علیه السلام پدر محمد منتظر و صاحب سرداب است. محمد منتظر، امام دوازهم بنا بر اعتقاد شیعیان است که به او قائم، مهدی و حجت می گویند. او در سال ۲۵۵ به دنیا آمده است.

ذهبی (م ۷۴۸ق) هم می گوید:

أبو محمد الهاشمي الحسيني أحد أئمة الشيعة الذين تدعى الشيعة عصمتهم ويقال له الحسن العسکری علیه السلام لكونه سكن سامراء، فإنها يقال لها العسکرو هو والد منتظر الرافضة... وأما ابنه محمد بن الحسن الذي يدعوه الرافضة القائم الخلف الحجة، فولد سنة ثمان وخمسين، وقيل: سنة ست وخمسين عاش بعد أبيه سنتين ثم عدم... (ذهبي، ۱۴۰۷؛ ۱۱۳/۱۹)

ابو محمد هاشمی حسینی، یکی از ائمه شیعه است که آن ها اعتقاد به عصمت آنان دارند و به او حسن عسکری علیه السلام می گویند؛ چون در سامرا ساکن بوده و به سامرا «عسکر» می گویند، او (امام عسکری علیه السلام) پدر همان کسی است که رافضه منتظر او هستند... اما فرزندش محمد بن الحسن که رافضی ها او را قائم، خلف و حجت می نامند، در سال ۲۵۸ به دنیا آمده است، برخی گفته اند که در سال ۲۵۶ به دنیا آمد. بعد از پدر دو سال زیست و بعد ناپدید شد.

صفدی (م ۷۶۴ق) هم آورده است:

الحجة المنتظر محمد بن الحسن العسکری علیه السلام بن علي الهادي ابن محمد الجواد بن علي الرضا بن موسى الكاظم بن محمد الباقر بن زين العابدين علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب رضي الله عنهم الحجة المنتظر ثاني عشر الأئمة الاثني عشر... ولد نصف شعبان

سنة خمس و خمسين؛ (صفدی، ۱۴۲۰: ج ۲، ۲۴۹)

حجت منتظر محمد بن الحسن العسكري ... دوازدهمین امام از ائمه دوازدهگانه شیعه است ... آن حضرت در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری به دنیا آمده است ...

ابن حجر هیثمی هم اعتراف می کند که امام عسکری علیه السلام فرزندى به نام ابوالقاسم الحجة داشته و می گوید:

و لم يخلف غير ولده أبي القاسم محمد الحجة وعمره عند وفاة أبيه خمس سنين لكن اتاه الله فيها الحكمة ويسمى القائم المنتظر؛ (ابن حجر هیثمی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۶۰۱)

امام عسکری علیه السلام فرزندى غير از ابوالقاسم محمد حجت نداشته است که عمر آن حضرت در زمان وفات پدرش پنج سال بوده است؛ ولی خداوند به او حکمت آموخت و قائم منتظر نامیده شده است.

با وجود نقاط مشترک مذکور، یکی از نکاتی که در برخی از روایات نادر اهل سنت وارد شده و دستاویزی برای مخالفانی چون ابن تیمیه واقع گردید همانمی پدر موعود آخرالزمان با پدر رسول اعظم اسلام صلی الله علیه و آله می باشد. به عبارتی دیگر، مهدی آخرالزمان از نظر این عده «محمد بن عبدالله» خواهد بود. وی ضمن طرح این ادعا، شیعه اثنی عشری را متهم به تحریف روایات در جهت تأیید عقیده خود و نفی هرگونه تناقض با آن متهم می کند:

أن الاثنى عشرية الذين ادّعوا أن هذا هو مذهبهم، مهديم اسمه محمد بن الحسن والمهدى المنعوت الذى وصفه النبى صلی الله علیه و آله اسمه محمد بن عبدالله وهذا حذف طائفه ذكر الأئمة من لفظ الرسول حتى لا يناقض ما كذبت ...؛ (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ج ۸، ۲۵۶)

شیعیان دوازده امامی که ادعا می کنند مذهب شان دوازده امامی است، اسم مهدی آنان محمد بن الحسن است در حالی که آن مهدی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله توصیف کرده، اسمش محمد بن عبد الله است. به این جهت گروهی از شیعه، نام پدر را از روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله حذف کرده تا با دروغ های آنان تناقض نداشته باشد ... وی با این سخن، به دروغ وانمود می کند که همانمی پدران آن دو بزرگوار مورد اتفاق مسلمین جز شیعیان بوده و اینان برای اثبات عقیده خود متوسل به تحریف شده اند.

برخی از روایات مورد ادعای وی به شرح زیر است:

۱. روایتی که شعبی از تمیم داری نقل کرده است. جناب ابن حبان روایت را چنین نقل کردند:

عن مجالد بن سعيد عن الشعبي عن تميم الداري قال: قلت يا رسول الله... فقال النبي صلی الله علیه و آله:

فلانذهب الأيام ولا الليالي حتى يسكنها رجل من عترتي اسمه اسمي واسم أبيه اسم أبي
يشبه خلقه لخلقى وخلقته خلقى يملاً الدنيا قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً.
(ابن حبان، ۱۳۹۶: ج ۲، ۳۴)

این روایت قطعاً باطل است. چرا که ابن حبان این روایت را از باب اشاره به جعلی
بودن آن نقل کرده است. وی قبل از نقل این روایت، درباره عبد الله بن سری که از راویان
حدیث است می‌گوید:

عبدالله بن السرى المدائنى شيخ يروى عن أبى عمران الجونى العجائب التى لا يشك
من هذا الشأن صناعته أنها موضوعه لا يحل ذكره فى الكتب إلا على سبيل الإنباه عن أمره
لمن لا يعرفه.

او روایات عجیبی را از ابو عمران جونی نقل می‌کند که شکی در ساختگی بودن آنها نیست و
نقل آنها جز برای اشاره به وضعیت او برای افرادی که او را نمی‌شناسند، جایز نیست؛

و سپس به عنوان مثال، یکی از آنها را که همین روایت است ذکر می‌کند. (همو)
ابوالفرج هم با اشاره به همین حدیث گوید:

هذا حديث لا يصح عن رسول الله. (القرشى، ۱۴۱۵: ج ۱، ۳۶۲)

ذهبی نیز به ضعیف‌السند و غیرقابل قبول بودن تصریح کرده و چنین گوید:

هذا حديث منكر ضعيف الإسناد رواه الخطيب فى تاريخه عن أحمد بن الحسن بن خيرون
عن بن بطحاء. (ذهبي، بی تا: ج ۲، ۷۶۵)

وی در اثر دیگرش، قبل از نقل روایت به دیدگاه ابن حبان درباره ساختگی بودن آن اشاره
نموده و گوید:

قال ابن حبان يروى عن أبى عمران العجائب التى لا يشك أنها موضوعة. (ذهبي، ۱۹۹۵:
ج ۴، ۱۰۶)

۲. روایت معاویه بن قُره از پدرش قره بن ایاس مزنی از رسول الله ﷺ می‌باشد:

عن معاوية بن قُره عن أبيه قال: قال رسول الله ﷺ: لَسْتُمْ لَنْ الأَرْضِ ظُلْمًا وَجَوْرًا كَمَا
مَلِئْتُ قِسْطًا وَعَدْلًا حَتَّى يَبْعَثَ اللهُ رَجُلًا مِنِّي اسْمُهُ اسْمِي وَأَسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِي فَيَمْلَأُهَا
قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا... (طبرانی، ۱۴۰۴: ج ۱۹، ۳۲).

هیثمی روایت را نقل کرده، سپس به رد آن پرداخته و می‌گوید:

رواه البزار والطبرانی فی الکبیر والأوسط من طریق داود بن المحبر بن قحذم عن أبیه و کلاهما ضعیف؛ (هیثمی، ۱۴۰۷: ج ۷، ۳۱۴)
بزار و طبرانی آن را در معجم الکبیر و معجم الأوسط از طریق داود بن محبر بن قحذم از پدرش روایت کرده و هر دو آنها ضعیف هستند.

مناوی هم با اشاره به متن فوق از هیثمی و گذشتن از آن، بر جعلی بودن حدیث مهر تأیید زده است. (مناوی، ۱۳۵۶: ج ۲۶۲، ۵) و در جای دیگر با گفتن «اسناد ضعیف»، صراحتاً سند حدیث را واهی قلمداد کرد. (مناوی: ۱۴۰۸: ج ۲، ۲۹۰)

گفتنی است در سلسله سند روایت مزبور افرادی چون احمد بن محمد بن نیکزک، داود بن محبر، محبر بن قحذم می‌باشند که همگی از سوی علمای عامه مانند احمد حنبل، بخاری، ذهبی، عقیلی و... تضعیف گشته و احادیث آنها غیر قابل قبول معرفی شدند. (ذهبی، ۱۹۹۵: ج ۱، ۲۹۶؛ بخاری، ۱۳۹۶: ج ۱، ۴۲؛ اصبهانی، ۱۴۰۵: ج ۱، ۷۸؛ عقیلی، ۱۴۰۴: ج ۲۵۹، ۴)
۳. روایت معروف این ادعا، روایت صحابی بزرگوار عبدالله بن مسعود است که دو طریق دارد.

طریق اول: از علقمه بن قیس و عبیده سلمانی از ایشان است که در المستدرک نقل شد. (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ج ۵، ۵۱۱)

در سند روایت، أحمد بن محمد بن السری وجود دارند که ذهبی او را کذاب خوانده و گوید:

أحمد بن محمد بن السری بن یحیی بن أبی دارم المحدث أبو بکر الکوفی الرافضی. الکذاب مات فی اول سنه سبع و خمسين و ثلاث مائه... روی عنه الحاکم وقال رافضی. غیر ثقہ. (ذهبی، ۱۹۹۵: ج ۱، ۲۸۳)

طریق دوم: معروف ترین طریق حدیث، روایت عاصم از زر بن حبیش از ایشان است که با مضامین مختلف نقل شد. این روایت، همان روایت معروف است که در برخی منابع، با فرازی مازاد بر روایت معروف وارد گشته و پدر منجی موعود را همانم پدر حضرت رسول اعظم ﷺ معرفی می‌نماید.

تحلیل و بررسی

از نظر قاطبه علمای شیعه، هر روایتی با فراز مزبور باطل بوده و همان‌گونه که قبلاً گذشت به

نظر همه شیعیان و بسیاری از دانشمندان عامه، آن حضرت فرزند امام حسن عسکری علیه السلام بوده و از طریق ایشان، نسبت منجی موعود به امام حسین علیه السلام می‌رسد. در جهت اثبات بطلان این سری از روایات، نکات زیر قابل توجه می‌باشد:

۱. در سلسله سند روایت، زائده بن ابی رقاد قرار دارد که خیلی از بزرگان عامه او را مجهول دانسته و روایاتش را غیرقابل قبول معرفی نمودند.
نسایی در سنن کبری بعد از نقل یک روایت که در سندش زائده بوده وی را مجهول معرفی کرده و گوید:

قال لنا أبو عبد الرحمن زائدة لأدري ما هو، هو مجهول؛

ابو عبد الرحمن گفته نمی‌دانیم زائده کیست؟ او مجهول است. (نسایی، ۱۴۱۱: ج ۵، ۳۱۹)

عقیلی از محمد بن عثمان بن ابی شیبه نقل کرد:

گفت از علی بن مدینی شنیدم که مدعی بود زائده روایات نادرست نقل می‌کرد. آدم بن موسی نیز گفت از بخاری شنیدم که گفت: زائده که از زیاد نمیری روایت می‌کند منکر الحدیث است. (عقیلی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۸۱)

صاحب *المجروحین* نیز گوید:

زائده باهلی کنیه‌اش ابومعاذ و اهل بصره ... بیروی المناکیر عن المشاهیر لایحتج به و لایکتب الا للاعتبار؛

روایات منکر و نادرستی را از افراد مشهور نقل کرده که بدان احتجاج نشده و نوشته نمی‌گردد جز برای عبرت‌آموزی؛ (ابن ابی حاتم، ۱۳۹۶: ج ۱، ۳۰۸)

برخی دیگر نیز همین نظر را از بخاری و نسایی نقل کردند. (ابن عدی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۲۲۸، ش ۷۲۳؛ ابن جوزی، ۱۴۰۶: ج ۱، ۲۹۱، ش ۱۲۵۵؛ مزی، ۱۴۰۰: ج ۹، ۲۷۳، ش ۱۹۴۹) عسقلانی نیز او را منکر الحدیث (ابن حجر، ۱۴۰۶: ج ۱، ۲۱۳) و ذهبی او را ضعیف شمرده‌اند. (ذهبی، ۱۹۹۵: ج ۳، ۹۵)

۲. هم‌چنین در سند روایت، جناب عاصم بن بهدله (م ۱۲۷هـ) قرار دارد. به گفته زرکلی، بهدله نام مادر عاصم بوده و نام پدرش در اصل عبید بود. (زرکلی، ۲۰۰۲: ج ۳، ۲۴۸) ایشان هرچند از راویان صحیح بخاری و مسلم هستند، اما دچار اشکالات عدیده از جمله دشمنی با امیرمؤمنان علی علیه السلام و اضطراب و ضعف حافظه است. بنابراین هرچند سایر روایات این باب که با همین سند نقل شد و بدون اضافه مزبور می‌باشد، به دلیل پذیرش فریقین و اتفاق بر صحت

آن مورد قبول همگان بوده ولی متن مخدوش او نمی تواند مورد استدلال قرار گیرد.
ابن حجر عسقلانی درباره اش گوید:

عاصم بن بهدله وهوبن أبي النجود الأسدی... قال ابن سعد كان ثقة إلا أنه كان كثير الخطأ في حديثه... وقال يعقوب بن سفیان في حديثه اضطراب وهوثقه... وقد تكلم فيه بن عليه فقال: كان كل من اسمه عاصم سيء الحفظ... وقال بن خراش في حديثه نكره وقال العقیلی لم يكن فيه إلا سوء الحفظ وقال الدارقطنی في حفظه شيء... وقال بن قانع قال حماد بن سلمه خلط عاصم في آخر عمره... وقال العجلی كان عثمانیا؛ (ابن حجر، ۱۴۰۴: ج ۵، ۳۵، ش ۶۷)

عاصم بن بهدله... ابن سعد گفته است که او ثقة است اما در نقل روایت زیاد اشتباه می کند... یعقوب بن سفیان (فسوی) گفته است که در حدیث او اضطراب است اما شخص راستگویی است... ابن علیہ در مورد او گفته است هر کس که نام او عاصم بود، حفظش (برای روایات) بد بود... ابن خراش گفته است حدیث او منکر است و عقیلی گفته است که تنها مشکل او بدی حفظ او بود، دارقطنی نیز گفته است که حفظ او اشکال داشت... ابن قانع گوید: حماد بن سلمه گفته است که عاصم در آخر عمر دیوانه شد. عجلی نیز گفته که او عثمانی - و دشمن حضرت علی علیه السلام - بود!

گنجی شافعی در کتاب *البيان في أخبار صاحب الزمان* از حافظ ابونعیم نقل می کند که بعد از نقل بیش از ۳۰ روایت در این موضوع می گوید:

ورواه غير عاصم عن زرو هو عمرو بن مره عن زر، كل هؤلاء رروا (اسمه اسمی) إلا ما كان من عبیدالله بن موسی عن زائده عن عاصم فإنه قال فيه (واسم أبيه اسم أبي). ولا يرتاب اللیبب أن هذه الزيادة لا اعتبار بها مع اجتماع هؤلاء الأئمة علی خلافها، والله أعلم؛ (گنجی شافعی، بی تا: ۴۸۳)

... این روایت را غیر عاصم از طریق زر بن حبیش، یعنی عمرو بن مره از زر روایت کرده است. تمام این راویان، روایت را با جمله «اسمه اسمی» نقل کرده اند؛ مگر عبیدالله بن موسی از طریق زائده از عاصم که در روایت او جمله «واسم ابيه اسم ابي» آمده است. هیچ عاقلی شک ندارد که این جمله اضافه است و با توجه به اجتماع این راویان بر خلاف آن، روایت او مورد اعتبار نیست.

۳. ابن حبان حدیث مزبور را از سفیان با همین اضافه نقل کرد:

عن سفیان عن عاصم عن زر عن عبد الله قال: قال رسول الله ﷺ لا تقوم الساعة حتى يملك الناس رجل من أهل بيتي يواطئ اسمه اسمي واسم أبيه اسم أبي فيملؤها قسطا و

عدلا. (ابن حبان، ۱۴۱۴: ج ۱۵، ۲۳۶، ح ۶۸۲۴)

ولی ایشان در حالی روایت سفیان را با فراز مزبور نقل می‌کند که اولاً در حدیث بعدی یعنی شماره ۶۸۲۵ حدیث را از عاصم بدون فراز فوق آورده و ثانیاً هم در سنن/ابی داود (سجستانی، بی تا: ج ۴، ۱۰۶) و هم در مسند/احمد، (ابن حنبل، بی تا: ج ۱، ۳۷۷) روایت سفیان، بدون فراز مزبور آمده است.

۴. ابن حماد درباره این حدیث می‌گوید:

و سمعته غیر مرة لایذکر اسم أبیه؛

بارها این روایت را بدون نام بردن از نام پدرشان شنیدم. (ابن حماد، ۱۴۱۲: ج ۱، ۳۶۷، ح ۱۰۷۶)

۵. در معجم الکبیر طبرانی (م ۳۶ ق) ۱۸ روایت از ۱۰۲۱۳ تا ۱۰۲۳۰ مطلب را از زر بن حبیش از عبدالله بن مسعود از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که تنها در ۳ روایت، جمله «و اسم أبیه اسم أبی» آمده است. همین خود می‌تواند قرینه‌ای بر وجود اشتباه یا جعل در این روایات سه‌گانه باشد. (طبرانی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۳۵-۱۳۳)

۶. احمد بن حنبل (م ۲۴۱ ق) که به دقت نظر در انتخاب حدیث بین عامه مشهور است، این روایت را حداقل سه بار در مسند خود عیناً از عاصم بن ابی النجود از زر بن حبیش از عبدالله بن مسعود نقل کرد بدون آن که ذکری از همنامی پدر امام عصر ﷺ با نام پدر پیامبر ﷺ به میان آورده باشد؛ در حالی که روایات حاوی اضافه مزبور هم عیناً همین روایت ابن مسعود می‌باشد و همین امر، احتمال مخدوش بودن و حتی دست بردن در حدیث را تقویت می‌نماید. مثلاً:

عن عاصم ابن ابی النجود عن زر بن حبیش عن عبدالله قال: قال رسول الله ﷺ: لا تنقض الأیام ولا یذهب الدهر حتی یملك رجل من أهل بیتی اسمه یواطئ اسمی. (أحمد حنبل، بی تا: ج ۱، ۳۷۶، ح ۳۵۷۱-۳۵۷۳)

جالب آن که ابن تیمیه قبل از نقل روایت مخدوش، نام احمد حنبل را هم زیرکانه در کنار ابوداود و ترمذی به گونه‌ای ذکر می‌کند تا نه با صراحت بلکه غیرمستقیم چنین وانمود کند که ابن حنبل نیز موافق با همین دسته از روایات است؛ آن جا که گوید:

أن الأحادیث التي یحتج بها علی خروج المهدي أحادیث صحیحة رواها أبوداود و الترمذی و أحمد و غیرهم من حدیث ابن مسعود و غیره ... حتی یخرج فیہ رجل منی أو من أهل بیتی

یواطئ اسمه اسمی واسم أبیه اسم أبی...؛ (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ج ۲۵۴، ۸۰)

حتی در کتاب صحیح ترمذی نیز که مورد استناد ابن تیمیه می باشد، روایاتی بدون فراز مزبور آمده و ترمذی آن را تصحیح کرده و با صراحت می گوید:

قال أبو عیسیٰ هذا حدیث حسن صحیح؛ (ترمذی، بی تا: ج ۴، ۵۰۵)
ابو عیسیٰ ترمذی گوید: این حدیث صحیح است.

و در مورد دیگر، حدیث بدون فراز مزبور را به امام علی علیه السلام، ابوسعید خدری، ام سلمه و ابوهریره نسبت داده و در پایان بر صحت روایت مهر تأیید می زند. ناصرالدین آلبانی حدیث شناس معاصر وهابی هم صحت هر دو روایت مذکور را مورد تأیید قرار داد:

حدثنا عبید بن أسباط بن محمد القرشي الكوفي قال حدثني أبي حدثنا سفيان الثوري^۱
عن عاصم بن بهدكة عن زرع عن عبد الله قال: قال رسول الله ﷺ لا تذهب الدنيا حتى
يملك العرب رجل من أهل بيتي يواطئ اسمه اسمي قال أبو عيسى. وفي الباب عن علي و
أبي سعيد وأم سلمة وأبي هريرة وهذا حديث حسن صحيح. (ترمذی، بی تا: ج ۴، ۵۰۵)
حدثنا عبد الجبار بن العلاء بن عبد الجبار العطار حدثنا سفيان بن عيينة^۲ عن عاصم عن
زرع عن عبد الله عن النبي ﷺ قال يلى رجل من أهل بيتي يواطئ اسمه اسمي قال عاصم و
أنا أبو صالح عن أبي هريرة قال لو لم ينبق من الدنيا إلا يوم أطول الله ذلك اليوم حتى يلى؛
قال أبو عيسى هذا حديث حسن صحيح. (ترمذی، بی تا: ج ۴، ۵۰۵)

آیا همین امور، نمی تواند نشانه ای از وجود جعل و اضافات (عمدی یا سهوی) در روایت مورد استناد ابن تیمیه باشد؟

۷. ابن تیمیه در متن مورد استناد در نکته سابق، این روایت را به ترمذی (م ۲۷۹ق) و ابوداود سجستانی نسبت داده که آن را از حدیث ام سلمه نقل کردند:

ان الأحاديث التي يحتج بها عن خروج المهدي... يواطئ اسمه اسمي واسم أبیه اسم أبی... و
رواه الترمذی وأبو داود من رواية أم سلمة...

این در حالی است که اولاً بر اساس تحقیق و جست و جوی نگارنده، ترمذی روایت ابن مسعود را بدین صورت که محتوی نام پدر باشد نقل نکرده، ثانیاً بر همین اساس، ابوداود

۱. متوفی ۱۶۱.

۲. متوفی ۱۹۸.

سجستانی (م ۲۷۵ق) این فراز از روایت را فقط یکبار، آن هم نه از ام سلمه بلکه از زائده نقل کرده و در روایت، نامی از ام سلمه وجود ندارد. پس سخن ابن تیمیه، چیزی جز یک اتهام نادرست نسبت به جناب ام سلمه نیست. ضمن آنکه به گفته ابن حجر، ابوداود شخصاً زائده را موثق ندانسته و گوید:

قال ابوداود: لأعرف خبره. (ابن حجر، ۱۴۰۴: ج ۳، ۲۶۳)

بدین ترتیب ادعای ابن تیمیه کاملاً مخدوش می‌گردد. متن حدیث در سنن ابوداود از این قرار است:

حدثنا مسدد أن عمر بن عبید... عن عاصم عن زر عن عبد الله عن النبي ﷺ قال لو لم يبق من الدنيا إلا يوم قال زائدة في حديثه لظول الله ذلك اليوم ثم اتفقوا حتى يبعث فيه رجلا مني أو من أهل بيتي يواطىء اسمه اسمي واسم أبيه اسم أبي زاد في حديث فطربلاً الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً وقال في حديث سفیان لا تذهب أو لا تنقضی. الدنيا حتى يملك العرب رجل من أهل بيتي يواطىء اسمه اسمي... (سجستانی، بی تا: ج ۴، ۱۰۶)

۸. همان طور که در صفحات قبل اشاره شده‌ها روایت در منابع معتبر فریقین وجود دارد که خالی از فراز مذکور بوده و صرفاً به همنامی با پیامبر ﷺ اشاره می‌شود. در نتیجه تلاش ابن تیمیه که سعی دارد تا روایتی که از زائده نقل شد را مورد اتفاق و اجماع معرفی و روایات خالی از فراز مزبور را نتیجه تحریف و حذف آن از سوی شیعیان قلمداد نماید، ناکام مانده است.

توجهات صحیح

توجه اول

با فرض صحت حدیثی که زائده نقل کرد، می‌توان از آن توجه درستی ارائه کرد و این توجه همان است که متفکر عامه، کمال الدین محمد بن طلحه شافعی (م ۶۵۲) در مطالب *السؤول فی مناقب آل الرسول* ارائه کرد. وی ابتدا به ذکر دو مقدمه پرداخته و گوید:

۱. در ادبیات عرب رایج است که از اجداد به پدر تعبیر شده است. چنانچه قرآن کریم فرمود: *وَلَمَّا أُبِيحُوا إِبْرَاهِيمَ؛* و از زبان یوسف پیامبر *عَلَيْهِ السَّلَام* فرمود: *وَأَتَّبَعْتُ لِمَا آتَانِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ؛* هم چنین در حدیث معراج آمد که پیامبر *عَلَيْهِ السَّلَام* پس از رؤیت حضرت ابراهیم *عَلَيْهِ السَّلَام* از

جبرئیل پرسید: مَنْ هذا؟ و پاسخ شنید: أبوك إبراهيم. (ابن حنبل، بی تا: ج ۱، ۲۵۷) پس لفظ «اب» بر اجداد هر چه بالاتر روند نیز اطلاق می گردد.

۲. کلمه «اسم» در محاورات رایج بین فصحای عرب، بر کنیه و صفت نیز اطلاق می شود. چنان چه براساس روایت بخاری و مسلم، پیامبر اسلام ﷺ علی را به «ابوتراب» نامید و اسمی محبوب تر از این اسم نزد امیرالمؤمنین ﷺ نبود. (بخاری، ۱۴۰۷: ج ۳، ۱۳۵۸، ح ۳۵۰۰؛ نیشابوری، بی تا: ج ۴، ۱۸۷۴، ح ۲۴۰۹). در نتیجه لفظ «اسم» بر کنیه معروف علی ﷺ یعنی ابوتراب اطلاق گردید.

ایشان بعد از ذکر این دو مقدمه، به اخذ نتیجه و بیان روایت پرداخته و گوید:

پیامبر اسلام ﷺ دو سبط داشت. ابومحمد حسن بن علی و ابوعبدالله حسین بن علی؛ و از آن جا که حجت موعود از نسل امام حسین ﷺ می باشد نه امام حسن ﷺ لذا آن حضرت از یک طرف جدّ اعلاّی امام موعود را «اب» و پدر خوانده و از طرف دیگر از کنیه به «اسم» تعبیر نموده چنین فرمود: نام او، نام من و کنیه جدش، نام پدر من یعنی عبدالله است. چرا که کنیه امام حسین ﷺ ابوعبدالله بوده است. پس آن حضرت به روشنی بدین امر تصریح نمودند که موعود ﷺ امم از نسل امام حسین ﷺ است نه شخص دیگر.

ابن تیمیه توجیه مزبور را تحریف روایت و به عنوان دروغ نسبت به رسول اکرم ﷺ القاء نموده و در مقام رد آن گوید:

برخی روایت را تحریف کرده و گفتند: جدش حسین است که کنیه اش ابوعبدالله است و معنای روایت این است که او محمد بن عبدالله است که کنیه را به منزله اسم قرار داد... از جمله این افراد ابن طلحه است... هرکه درک مختصری داشته باشد می داند که این تحریف و دروغ بستن بر رسول خداست... (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ج ۸، ۲۵۷).

هرچند ابن تیمیه در کتاب خود، سخن ابن طلحه شافعی را تحریف کرده و کامل نقل نکرد ولی اگر منصفانه بیندیشیم، توجیه مزبور سخن شایسته ای است که با فرض صحت روایت زائده، توجیه مناسبی است.

توجیه دوم

از این روایت توجیه دیگری نیز نقل شد. مرحوم علامه مجلسی پس از ذکر روایت مزبور از ابوداود و ترمذی و نقل توجیه ابن طلحه شافعی، به بیان توجیه دیگر از یکی از معاصران خویش پرداخته و آورده است:

أقول ذكر بعض المعاصرين فيه وجهاً آخر وهو أن كنية الحسن العسكري عليه السلام أبو محمد و
عبدالله أبو النبي عليه السلام أبو محمد فتوافق الكنيتان و الكنية داخله تحت الاسم (مجلسي،
١٤٠٣: ج ٥١، ١٠٣)؛

این توجیه مبتنی بر کنیه امام حسن عسکری علیه السلام می باشد که ابو محمد بوده و از آن جایی
که کنیه پدر رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز ابو محمد می باشد در نتیجه کنیه پدران آنها مانند هم گشته و
به دلیل اطلاق لفظ اسم بر کنیه، روایت توجیه صحیحی خواهد یافت.

توجیه سوم

احتمال دیگری که در روایت بر فرض صحت آن داده شد این که متن حدیث «و اسم أبیه
اسم ابنی»؛ بوده که به اشتباه "اسم ابی" ثبت شده باشد. یعنی نام پدراو (امام حسن
عسکری علیه السلام) نام فرزند من (امام حسن علیه السلام) است. شاهدش روایتی است که مجلسی از امالی
شیخ طوسی در علائم ظهور از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده و همین جمله بدین صورت در آن آمد:
... اسمه کاسمی و اسم أبیه کاسم ابنی و هومن ولد ابنتی... (مجلسی، ١٤٠٣: ج ٢٨، ٤٦).

اهداف جعل این جمله

همان طور که گذشت محتمل است فراز مزبور مجعول و ساخته و پرداخته تاجران حدیث
باشد. بر آگاهان تاریخ حدیث پوشیده نیست که دستگاه های طاغوت اموی و عباسی در
راستای سوء استفاده از مقدسات، افراد ضعیف النفس و سودجویانی را به کار می گرفتند تا به
تحریف و دست اندازی در روایات پرداخته و در راستای منافع حکومت های غاصب، نکاتی را از
آنها حذف و یا بدان بیافزایند. و اتفاقاً در آن روزگار، ساختن روایات دروغ، پست و شغل مهم و
تجارتی پر سود بود که جاعلان حدیث و دروغ پردازان نظیر ابوهریره، سمره بن جندب و مغیره
بن شعبه و دوستان و همکاران آنان، بدان وسیله زندگی کرده و به زر و زیور دنیا و هواهای
نفسانی خود می رسیدند.

در همین راستا، احادیث مهدویت نیز در امان نمانده و مورد سودجویی قرار گرفت. بر اساس
شواهد تاریخی، بنی العباس سعی می کرد افتخار مهدویت را از آن خود کرده و به دروغ، به
مهدی سازی بپردازند. لذا مهدی عباسی که نام اصلی اش محمد و فرزند عبدالله مشهور به
منصور دوانیقی بود را همان موعود ادیان معرفی می کردند. آنان برای این بدعت، از یک سوی،
به جعل چندین روایت مستقل پرداختند تا وانمود کنند که مهدی از فرزندان عباس است... از

جمله حدیث ساختگی: «المهدی من ولد العباس عمی»؛ (ابن حجر هیثمی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۴۷۸) که نادرستی آن اظهر من الشمس بوده و بزرگان عامه مانند ذهبی، ابن جوزی و سمهودی راوی روایت یعنی محمد بن ولید مقری را متخصص جعل، سرقت و تقلب در اسناد حدیث معرفی و روایت را ساختگی اعلام کردند. (مناوی، ۱۳۵۶: ج ۶، ۲۷۸)

از سوی دیگر، به دست بردن در روایات معروف مانند روایت مورد بحث پرداختند تا بتوانند عقیده باطل خود را به کرسی بنشانند.

دلیل دیگری که برای افزودن فراز مزبور در روایت نقل شد، تأیید جریان نفس زکیه در تاریخ است.

سه نفر از فرزندان عبدالله فرزند حسن مثنی فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام به نام‌های محمد، ابراهیم و ادریس در مقابل بنی‌العباس و در زمان منصور عباسی به قیام و مبارزه پرداختند. محمد بر مکه و مدینه، ابراهیم بر بصره و ادریس بر بلاد مغرب مستولی شدند. منصور لشکر انبوهی به فرماندهی عیسی بن موسی راهی مدینه کرده و محمد را در سال ۱۴۵ق، و در معرکه کشته سپس راهی بصره گشته و در ۱۶ فرسخی کوفه، ابراهیم را نیز کشتند. پدرشان عبدالله محض نیز در زندان منصور از دنیا رحلت کرد. با این حال، عده‌ای که به نام «محمدیه» نام گرفتند، محمد را زنده قلمداد و معتقد شدند که وی در کوه حاجز در منطقه نجد بوده و در پس پرده غیبت رفته و همان مهدی موعودی است که در آخرالزمان ظهور و قیام خواهد کرد. (سبحانی، بی تا: ج ۷، ۴۹) پدرش عبدالله محض به این عقیده دامن زده و آن را ترویج می نمود و برای اثبات این امر، فراز مورد نظر در حدیث یعنی «اسم ایبه اسم اُبی» را روایت می نمود. (صاحب فخری، ۶۱).

مغیره بن سعید عجلی که از گمراهان و قائل به تشبیه درباره خداوند متعال بوده و پیروانش به مغیریه شناخته می شدند، به یارانش می گفت: مهدی منتظر، همان محمد نفس زکیه است که نامش محمد و نام پدرش عبدالله بود و سپس به همان روایت و با همان فراز مزبور استناد می کرد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۱۶۹)

ربیع بن محمد السعودی که ظاهراً از مؤلفین وهابی است، همین احتمال را داده و در کتابش روایت مزبور را نقل کرده و می گوید:

ولاریب انّ هذا قد وضعه اصحاب محمد بن عبدالله النفس الزکیه، فاتّه کان معروفاً
بکونه المهدی؛ (ربیع بن محمد، ۱۴۱۴: ۳۰۷)

بدون شک این روایت را طرفداران محمد بن عبدالله نفس زکیه جعل کرده‌اند؛ زیرا او مشهور شده بود که مهدی موعود علیه السلام است.

گویا احادیث جعلی که از سوی عامه خصوصاً وهابیت ترویج شده و سعی می‌کند مهدی علیه السلام را از نسل امام مجتبی علیه السلام معرفی کند نگاهی هم به ترویج همین عقیده داشته باشد.

نتیجه‌گیری

ما در این مقاله با عنایت به ضرورت شناخت دقیق نسب منجی موعود، بر خلاف ادعای عامه، ابتدا ولادت آن بزرگوار را در بیت رفیع امام حسن عسکری علیه السلام اثبات نموده آنگاه با تکیه بر منابع معتبر اهل سنت همنامی مهدی موعود علیه السلام با پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم را مورد اشاره قرار دادیم. در ادامه با توجه به برخی ادعاها از جمله از سوی ابن تیمیه که با استناد به روایاتی اندک در پی ابطال اندیشه شیعی بود و مدعی هستند مهدی امت شخصی بنام «محمد بن عبدالله» خواهد بود، به بررسی این ادعا پرداخته و با استناد به منابع رجالی و حدیثی معتبر اهل سنت خط بطلان بر ادعای مذکور کشیده و به صورت مستند اثبات نمودیم که روایات مورد ادعای آنها در اثبات همنامی پدر مهدی موعود علیه السلام با پدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، ناشی از لغزش راویان بوده و از درجه اعتبار ساقط است و با فرض صحت، توجیهات صورت گرفته رافع توهمات ابن تیمیه خواهد بود.

منابع

- ابن تیمیه حرانی، أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم (م ۷۲۸هـ)، *منهاج السنة النبویة*، تحقیق: دکتر محمد رشاد سالم، بی جا، مؤسسة قرطبة، اول، ۱۴۰۶ق
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد بن الجوزی أبو الفرج، *الضعفاء والمتروکین*، تحقیق: عبدالله القاضي، بیروت، دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۰۶ق
- ابن حبان، محمد أبو حاتم التمیمی البستی (م ۳۵۴هـ)، *صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان*، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة، دوم، ۱۴۱۴ق
- _____، *المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین*، تحقیق: محمود إبراهيم زاید، حلب، دارالوعی، ۱۳۹۶ق
- ابن حجر عسقلانی شافعی، أبو الفضل أحمد بن علی (م ۸۵۲هـ)، *تقریب التهذیب*، تحقیق: محمد عوامة، سوریه، دار الرشید، اول، ۱۴۰۶ق
- _____، *تهذیب التهذیب*، بیروت، دارالفکر، اول، ۱۴۰۴ق
- ابن حجر هیثمی، ابو العباس، *الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقة*، تحقیق: عبدالرحمن بن عبدالله التركي / کامل محمد الخراط، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۷ق
- ابن حنبل، امام احمد (م ۲۴۱هـ)، *مسند احمد بن حنبل*، مصر، مؤسسة قرطبه، بی تا
- ابن حماد، نعیم بن حماد أبو عبدالله المروزی (م ۲۸۸هـ)، *کتاب الفتن*، تحقیق: سمیر أمين الزهیری، قاهره، مكتبة التوحید، اول، ۱۴۱۲ق
- ابن عدی، أبو أحمد الجرجانی (م ۳۶۵هـ)، *الکامل فی ضعف الرجال*، تحقیق: یحیی مختار غزاوی، بیروت، دارالفکر، سوم، ۱۴۰۹ق / ۱۹۸۸م
- ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا معروف به ابن طقطقی (م ۷۰۹هـ)، *الأدب السلطانیة و الدول الإسلامیة*، بی جا، بی نا، بی تا
- ابن کثیر، أبو الفداء الدمشقی، *النهاية فی الفتن والملاحم*، تحقیق، ضبطه و صححه: الاستاذ عبدالشافعی، بیروت، دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۰۸ق
- أبو الفداء، عماد الدین إسماعیل بن علی (م ۷۳۲هـ)، *المختصر فی أخبار البشر*، بی جا، بی نا، بی تا

- السعودی، ربیع بن محمد، الشیعة الامامية الاثنی عشریه فی میزان الاسلام، جدہ، مکتبه العلم،
دوم، ۱۴۱۴ق
- القرشی، أبو الفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد (م ۵۹۷ھ)، الموضوعات، تحقیق: توفیق
حمدان، بیروت، دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۵ق
- اصبهانی صوفی، أحمد بن عبدالله بن أحمد أبو نعیم (م ۴۳۰ھ)، الضعفاء، تحقیق: فاروق
حمادہ، اول، بی جا، دارالثقافہ / الدار البیضاء، ۱۴۰۵ق
- بخاری جعفی، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله (م ۲۵۶ھ)، الجامع الصحیح المختصر (صحیح
بخاری)، تحقیق: دکتر مصطفی دیب البغا، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ق
- _____، الضعفاء الصغیر، تحقیق: محمود إبراهيم
زاید، اول، حلب، دارالوعی، ۱۳۹۶ق
- ترمذی، محمد بن عیسی أبو عیسی، الجامع الصحیح سنن الترمذی، تحقیق: أحمد محمد شاکر و
دیگران، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا
- تفتازانی، سعدالدين مسعود بن عمر بن عبد الله (م ۷۹۱ھ)، شرح المقاصد فی علم الکلام،
پاکستان، دارالمعارف النعمانیہ، اول، ۱۴۰۱ق
- حاکم نیشابوری، محمد بن ابو عبدالله (م ۴۰۵ھ)، المستدرک علی الصحیحین وبذیلہ
التلخیص للحافظ الذہبی، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، اول،
۱۴۱۱ق / ۱۹۹۰م
- ذہبی، شمس الدین محمد بن أحمد، (م ۷۴۸ھ) میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق:
الشیخ علی محمد معوض و الشیخ عادل أحمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیة، اول،
۱۹۹۵م
- _____، سیر أعلام النبلاء، تحقیق: شعيب الأرنؤوط،
محمد نعیم العرقسوسی، بیروت، مؤسسة الرسالة، نهم، ۱۴۱۳ق
- _____، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام،
تحقیق: دکتر عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، اول، ۱۴۰۷ق
- _____، تذکرة الحفاظ، بیروت، دارالکتب العلمیة،
اول، بی تا
- زرکلی دمشقی، خیرالدين بن محمود (۱۳۹۶ھ)، الأعلام، بی جا، دارالعلم للملایین،

- چاپ پانزدہم، ۲۰۰۲م
- سجستانی آزدی، سلیمان بن الأشعث أبوداود، سنن أبی داود، تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید، بی جا، دارالفکر، بی تا
- سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن بن أبی بکر، الفتح الكبير فی ضم الزیادة إلى الجامع الصغير، تحقیق: یوسف النبهانی، بیروت، دارالفکر، اول، ۱۴۲۳ق
- شاشی، ابوسعید الہیثم بن کلب (م ۳۳۵ھ)، مسند الشاشی، تحقیق: دکتر محفوظ الرحمن زین الله، مدینہ منورہ، مکتبہ العلوم و الحکم، اول، ۱۴۱۰ق
- صفدی، صلاح الدین خلیل بن أبیک، الوافی بالوفیات، تحقیق: أحمد الأرناؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار إحياء التراث، ۱۴۲۰ق
- طبرانی، سلیمان بن أحمد بن أبوبالقاسم، المعجم الكبير، تحقیق: حمدی بن عبدالمجید السلفی، موصل، مکتبۃ الزہراء، دوم، ۱۴۰۴ق
- گنجی شافعی، أبی عبدالله محمد بن یوسف (م ۶۵۸ھ)، البیان فی أخبار صاحب الزمان، بی جا، بی نا، بی تا
- نسائی، أبوعبدالرحمن احمد بن شعيب (م ۳۰۳ھ)، سنن کبری نسائی، تحقیق: دکتر عبدالغفار سلیمان البنداری و سید حسن کسروی، بیروت، دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۱۱ق
- نیشابوری، ابوالحسین مسلم بن حجاج (م ۲۶۱ھ)، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا
- عقیلی، أبوجعفر محمد بن عمر بن موسی، الضعفاء الكبير، تحقیق: عبدالمعطی أمین قلجی، بیروت، دارالمکتبۃ العلمیة، اول، ۱۴۰۴ق
- ابن ابی حاتم تمیمی، محمد بن حیان، المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین، تحقیق: محمود إبراهیم زاید، حلب، دار الوعی، اول، ۱۳۹۶ق
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق
- مزی، یوسف بن الزکی عبد الرحمن أبوالحجاج، تهذیب الکمال، تحقیق: دکتر بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسة الرساله، اول، ۱۴۰۰ق
- مقدسی شافعی سلمی، عقد الدرر فی أخبار المنتظر، بی جا، بی نا، بی تا
- مناوی، عبدالرؤف (م ۱۰۳۱ھ)، فیض القدير شرح الجامع الصغير، مصر، المکتبۃ التجاریة الكبرى، اول، ۱۳۵۶ق

- _____، التيسير بشرح الجامع الصغير، رياض، مكتبة الإمام الشافعي،
١٤٠٨ق
- هيثمي، حافظ نورالدين علي بن ابي بكر (م ٨٠٧هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، قاهره / بيروت،
دارالريان للتراث و دارالكتاب العربي، ١٤٠٧ق

